

بررسی تطبیقی نمادهای حیوانی و گیاهی در شعر کودک و نوجوان فارسی و کردی

علی‌رضا شوهانی، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام^۱
علی‌رضا اسدی، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام
مهدی احمدی‌خواه، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام

چکیده

یکی از هنری‌ترین جلوه‌های خیال و تصویرسازی و همچنین تعمیق شعر بهره‌گیری از عنصر نماد است. نماد شکافنده لایه‌های ظاهری کلمه و عبارات، بازتاب دهنده معانی پنهان آن و همچنین نشانگر استعداد واژه‌ها در نمایش تصاویر ذهنی است و در شعر کودک و نوجوان نیز منجر به تأمل، اندیشیدن و ادبیت کودکان می‌شود اما از آنجا که دنیای ذهن مخاطبان کودک و نوجوان محدود است، شایسته است نمادهای شعرشان نیز ساده و سطحی انتخاب شود. مقاله حاضر بر آن است تا به مقایسه و تطبیق نمادهای گیاهی و حیوانی در شعر کودک و نوجوان فارسی و کردی پردازد و پاسخی برای این پرسش‌ها بیابد: (۱) آیا شعر کودک و نوجوان فارسی و کردی در به کارگیری نمادهای حیوانی و گیاهی وجه اشتراکی دارند؟ (۲) آیا بسامد استفاده از نمادهای حیوانی و گیاهی در شعر کودک و نوجوان فارسی و کردی به یک اندازه است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بسامد نماد در شعر کودک و نوجوان کردی بیش از شعر فارسی است؛ همچنین فراوانی نمادهای حیوانی در شعر هر دو زبان از نمادهای گیاهی بیشتر است و دیگر این که بسامد حیوانات نمادین در شعر کودک و نوجوان فارسی بیشتر پرندگان و در شعر کودک کردی پستانداران هستند.

کلیدواژه‌ها: نماد، شعر کودک و نوجوان، حیوانات، گیاهان، ادبیات کردی

مقدمه

یکی از روش‌های مهم و قابل توجه تصویرپردازی که نشان‌دهنده ظرفیت واژه‌ها در بیان مفاهیم و صور ذهنی است نماد است. در یک تعریف کلی، نماد عبارت است از «هر علامت، اشاره، کلمه، ترکیب و عبارت که بر معنی و مفهومی و رای آنچه ظاهر آن می‌نماید دلالت دارد» (پورنامداریان ۴). یونگ می‌گوید: «سمبول دارای جنبه "ناخودآگاه" وسیع‌تری است که هرگز به طور دقیق تعریف یا به طور کامل توضیح داده نشده است و کسی هم امید به تعریف و توضیح آن ندارد» (ارمغان و همکاران ۲۳). نماد تنها مختص به ادبیات نیست، بلکه در روان‌شناسی، هنر، اسطوره و... نیز کاربرد وسیعی دارد. نمادها در حقیقت ذهنی، معنای، مبهم و چندمدلولی هستند و هویت جمعی دارند و وجود آنها حلقه اتصال و ارتباط ما با جهان پیرامون را تشکیل می‌دهد. نمادها زمینه‌ساز تولید معنا و تفاسیر چندگانه از یک متن هستند.

بنابراین، نماد به مفاهیمی می‌پردازد که قابلیت گسترش‌پذیری داشته باشد و خود شکل عینی و آشکار مفاهیمی است که فی‌نفسه بیان‌نشده‌اند. یک واژه زمانی برای ما نمادین تلقی می‌شود که قابل تفسیر به بیش از یک مفهوم باشد یا بر چیزی بیش از معنای واضح اولیه خود دلالت کند. نیما یوشیج درباره اهمیت نماد می‌گوید: «سمبول‌ها شعر را عمیق می‌کنند، دامنه می‌دهند، اعتبار می‌دهند، وقار می‌دهند و خواننده خود را در برابر عظمتی می‌یابد [...] سمبول‌ها را خوب مواظبت کنید. هر قدر آنها طبیعی‌تر و متناسب‌تر بوده عمق شعر شما طبیعی‌تر و متناسب‌تر خواهد بود» (نیما یوشیج ۱۳۳-۱۳۴). ادبیات، دنیای پرمهر و نمادهاست و این نمادها هستند که متن را تفسیرپذیر و زایا می‌کنند. پس هر پژوهنده‌ای (در هر نوع ادبی) ناچار به کندوکاو در لایه‌های پنهان این عنصر خیال است.

نماد زمانی شکل می‌گیرد که واژه از سطح معنای آشکار خود عدول کند و به مفهومی و رای معنای ظاهری تعالی یابد. در چنین حالتی، آنچه موجب این سیر تعالی می‌شود، زیرساخت بیانی نماد است که خود بر عناصری چون تشبیه، استعاره، کنایه و... استوار است. از این روست که چنین تعریفی نیز برای نماد ارائه شده است: «نماد عبارت است از مجاز یا تشبیه یا استعاره یا تشخیص یا کنایه‌ای که دو مشخصه

فراروانی بودن و پدیداری بودن را دارا باشد» (فولادی ۴۳۰). اما نکته مهم آن است که در ادبیات کودک و نوجوان، به دلایلی چون محدودیت دنیای ذهن کودک و نبود توان کافی در درک مفاهیم ذهنی، طبیعتاً بهترین و قابل درک‌ترین نمادها، آن نمونه‌هایی است که زیرساخت تشبیهی دارند. به عبارت دیگر، ما در شعر کودک و نوجوان با نمادهای پیچیده و ابداعی روبه‌رو نیستیم و هرچه هست نمادهایی ساده و قابل کشف با مفاهیم ابتدایی است. اما باز توجه به این شیوه خیال‌روری می‌نماید، چراکه یکی از رسالت‌های مهم ادبیات کودک و نوجوان مقوله آموزش است و، به عقیده نگارندگان، مهم‌ترین عنصر بیانی برای پرداختن به آموزش نماد است. دنیای کودک - چنان که در اولین نقاشی‌هایش به چشم می‌آید - سرشار از احساسات، عواطف و علاقه نسبت به حیوانات (از روی حب یا ترس) و گیاهان است و این علاقه درونی او تا جایی است که منجر به همذات‌پنداری و همانندنگاری کودک با آنها می‌شود. لازم می‌نماید که در مطالعات مربوط به ادبیات کودک (به خصوص شعر) به مقوله حیوانات و گیاهان بیشتر توجه شود، چرا که به سختی می‌توان ادبیات کودک را بدون این دو تصور کرد.

مقاله حاضر با رویکرد تطبیقی به مطالعه و بررسی نمادهای حیوانی و گیاهی در چهل اثر فارسی و چهل اثر کردی از شاعران نام‌آشنا و برجسته معاصر پرداخته است. پس از استخراج داده‌ها، بررسی، تحلیل و مطابقت آنها، از جامعه آماری کل، ده عنوان شعر کودک و نوجوان فارسی و ده عنوان شعر کودک و نوجوان کردی گزینش شد تا شواهد قابل‌ارائه از این بیست اثر شاخص استخراج شود:

ده عنوان کتاب شعر کودک و نوجوان فارسی: ۱. مثل یه بلبلی کوچولو، ناصر کشاورز، ۱۳۹۳؛ ۲. کی بود؟ کی بود؟ کتاب بود، ناصر کشاورز، ۱۳۹۵؛ ۳. صد دانه یاقوت، مصطفی رحماندوست، ۱۳۶۸؛ ۴. قصه ابر و باران، مصطفی رحماندوست، ۱۳۹۵؛ ۵. ترانه دبستان، جلیل صفریگی، ۱۳۹۷؛ ۶. صدلی‌ها خسته‌اند، محمدکاظم مزینانی، ۱۳۸۸؛ ۷. پرچم زیبای ایران، محمد مهاجرانی، ۱۳۹۶؛ ۸. ترانه بلوط، نسیم نوروزی، ۱۳۹۵؛ ۹. خروس زری، پیرهن پری، احمد شاملو، ۱۳۶۴؛ ۱۰. خرس و کوزه عسل، منوچهر احترامی، ۱۳۶۵.

ده عنوان کتاب شعر کودک و نوجوان کردی: ۱. میوشلی میوشان (نوعی بازی کودکانه)، میثم خورانی، ۱۳۹۶؛ ۲. ماسی خانم (ماهی خانم)، علیرضا محمدیان، ۱۳۷۹؛ ۳. میمگه جاروبرقی (خاله جاروبرقی)، رضا موزونی، ۱۳۸۳؛ ۴. ریوی تهویه‌کار (روباه تویه‌کار)، مجید محمدی، ۱۳۹۳؛ ۵. که‌وی سه‌رشاخ، مریشکی ناو باخ (کبک کوهستان و مرغ باغ)، مظهر ابراهیمی، ۱۳۹۳؛ ۶. که‌ری نه‌زان (خر نادان)، زهرا ستاوند، ۱۳۹۴؛ ۷. هه‌نگ و هه‌نگوین (زنبور عسل و عسل)، مرسوم گشبین، ۱۳۹۳؛ ۸ و ۹. سه شماره از برگزیده اشعار شاعران جشنواره منطقه‌ای دوسالانه شعر کودک و نوجوان کردی در ایوانغرب: مثال ۱ (کودک ۱)، مثال ۲ (کودک ۲)، مثال ۳ (کودک ۳)، ۱۳۹۲، ۱۳۹۴، ۱۳۹۶.

پیشینه تحقیق

دربارۀ با نماد در ادبیات کودک و نوجوان فارسی مطالعات متعددی انجام گرفته و کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌هایی در طی سال‌های اخیر نگاشته شده‌است که در این بخش به برخی از این پژوهش‌ها به اختصار اشاره می‌شود:

- بخشی از کتاب *از این باغ شرقی*، نوشته پروین سلاجقه، به نماد در شعر کودک و نوجوان اختصاص یافته است. نویسنده کتاب معتقد است که مخاطب ادبیات کودک بیشتر «برون‌گرا»ست و نمی‌تواند به تفسیر نمادها بپردازد. از این رو، نمادها در این نوع ادبی غالباً محدود و شخصی است؛

- محمدرضا صرفی و فاطمه هدایتی در مقاله «نماد و نقش مایه‌های نمادین در داستان‌های کودک و نوجوان دفاع مقدس»، که در نشریه *ادبیات پایداری* منتشر شده‌است، به بررسی نمادهای رنگی، پرندگان نمادین، نمادهای طبیعی و ابداعی پرداخته‌اند و نتیجه گرفته‌اند که نماد پاسخی‌ست به پرسش «چگونه گفتن» از جنگ برای کودکان و نوجوانان؛

- مقاله «شبکه‌های نمادین در شعر بیوک ملکی»، از علی ارمغان و همکارانش، در فصلنامه *پژوهش‌های ادبی*، نمادهای به‌کاررفته در شعر ملکی را در شش بخش طبقه‌بندی کرده‌اند: نمادهای کیهانی، انسانی، رنگی، گیاهی، جانوری و نوری.

- رامین محرمی و همکارانش در مقاله «بررسی تنوع نماد در اشعار کودکانه جعفر ابراهیمی»، که در دوفصلنامه بلاغت کاربردی و نقد بلاغی منتشر شده است، به دویبخش نماد ادبی و نماد روان‌شناختی در اشعار شاعر پرداخته‌اند.

نماد در شعر کودک و نوجوان فارسی

شعر کودک و نوجوان فارسی سرشار از نمادهایی است که نه تنها دریافت‌های آنان را مختل نمی‌سازد بلکه منجر به شناخت بیشتر کودکان از دنیای اطراف، رفع نیازهای عاطفی و حتی آرامش دنیای ذهنی آنان می‌شود زیرا «دنیای کودک با تصویرهای ذهنی او شکل می‌گیرد. قدرت تخیل، تصویرسازی، هماندنگاری و مشابه‌سازی در او قوی است و به خاطر همین قدرت خلاقه در تصویرسازی و هماندنگاری است که مصادیق و مفاهیم گوناگون معنوی و انتزاعی را از طریق نمادسازی می‌توان به او فهماند» (صرفی و هدایتی ۷).

الف) نمادهای حیوانی

دنیای کودکان گره‌خوردگی عاطفی و بی‌نظیری با حیوانات دارد، تا جایی که کودکان احساساتی چون ترحم و دلسوزی و محبت یا ترس و نفرت و دشمنی را از طریق مهر به پرنده‌ای یا وحشت از حیوانی در وجود خود پرورش می‌دهند. حیوانات بخش جدانشدنی دنیای ذهن و جهان بیرون کودک به شمار می‌آیند و او در تخیلات و تصویرسازی‌هایش با حیوانات همذات‌پنداری و هماندنگاری می‌کند. در ده مجموعه شعر کودک و نوجوان فارسی تحلیل شده ۴۴ مورد نماد حیوانی دیده شد که بیشترین بسامد آنها مربوط به پرندگان و سپس پستانداران و کمترین بسامد مربوط به حشرات و خزندگان است. جانورانی چون جوجه، عقاب، کلاغ، پرستو، شاپرک، قناری، گنجشک، خروس، کبوتر، اسب، سنجاب، شاپرک و لاک‌پشت از نمادهای حیوانی مشاهده شده در پیکره مطالعاتی ماست:

خرسه یه کوزه غسل دید./ کوزه غسل برداشت و دوید/ بادی وزید، بوی غسل همه جا

پیچید. [...]

آی آقا خرسه! ما زنبورا زرنگیم، بجنگ تا بجنگیم / خرسه هی خندید: قاه قاه / زنبورا گفتند: واه واه! (احترامی ۱)

خرس در این شعر نماد بزرگی، درندگی، نفهمی، تن‌پروری و... است و زنبور نماد تلاشگری، پرثمری، جنگندگی، هماهنگی و نظم. خرس همچنین نماد انسان‌های حریص و متجاوز است که از قدرتی زیاد برخوردارند اما زنبورها، که موجوداتی نحیف و تلاشگرند، برای دفاع از حقوق خود و حفظ دست‌رنجشان با ایشان و از جان‌گذشتگی و اتحاد در برابر این دشمن نیرومند می‌ایستند و مقاومت می‌کنند. تقابلی نمادین این دو موجب می‌شود که شاعر روح دفاع، ایثار، وحدت، مقاومت و امتناع از خودحقیرپنداری را در کودک پرورش دهد.

اسب‌ها زندانی‌اند / آه زیر سقف‌ها / اسب‌ها کی می‌شوند / باز آزاد و رها
اسب‌ها یک روز باز / روی پا می‌ایستند / آخر آن‌ها اهل خواب / اهل آخور نیستند
یک شبی گم می‌شوند / اسب‌ها در بُهت دشت / اسب من که رفت و رفت / سوی آخور
برنگشت (مزینانی ۸).

اسب نماد نجابت، زیبایی، تازندگی، رهایی، آزادی و بندناپذیری است. در این شعر نمادین به خوبی القا شده است که انسان نباید تن به خور و خواب و اسارت دهد. کودکان و نوجوانان، از طریق این نماد، رهایی، آزادگی و رنج بند و اسارت را خوب می‌فهمند. همچنین می‌پذیرند و می‌آموزند که اگر انسان زمانی در بند و رنج بیفتد، باز روزی قادر خواهد بود روی پا بایستد و با اراده قوی و استقامت در برابر مصائب به سرمنزل برسد.

دلم داره پر میزنه / برای خونه / مثل یه بلبل کوچولو / لالا میخونه
(کشاوری، ۱۳۹۳: ۶)

بلبل نماد زیبایی و خوش‌آوازی است. بلبلی که برای لانه و خانه‌اش بی‌قرار پر می‌زند و ناله سر می‌دهد برای کودک القاکننده این مفهوم است که هیچ جایی دوست‌داشتنی‌تر و امن‌تر از خانه نیست و حس خانه‌دوستی و در معنای وسیع‌تر روحیه وطن‌پرستی را در نوجوانان تقویت می‌کند.

ای خروس سحری/ چش نخود سینه زری!/ پیرهن زر به برت بود پیش از این؟/ تاج
 یاقوت به سرت بود پیش از این؟/ شنیدم رنگ پرت رفته، بینم پرتو!/ یاقوت تاج
 سرت ریخته، بینم سرتو! (شاملو ۱۱)

خروس نماد سحرخیزی، هوشیاری، هشداردهندگی، زیبایی، اقتدار و فریب‌خوردگی است. خروس در این شعر به سبب خودشیفتگی و غرور و برای خودنمایی در برابر روباه فریب‌تمجیدها و انتقادهای دشمن را می‌خورد و گرفتار می‌شود. این تقابل و دشمنی نمادین روباه و خروس یک سنت ادبی، طبیعی و اجتماعی است که آشنایی با آن موجب هوشیاری و ذکاوت کودکان می‌شود و به آنان کمک می‌کند از آسیب‌ها و فریب‌ها دور بمانند.

نرم‌نرمک فتح کردم قله را/ پرچم امید را افراشتم/ لاک‌پشت کوچکی بودم من/ خویش
 را کوچک نمی‌پنداشتم (صفریگی ۹).

در این شعر، لاک‌پشت نماد کندروی و تعلل زیاد و کوچکی و ناتوانی است. اما همین جانور کوچک و ناتوان خود را حقیر و ضعیف نمی‌پندارد بلکه با افراشتن پرچم امید در دل و با پشتکار و تلاش، قله‌ای رفیع را فتح می‌کند که صعود به آن ناممکن می‌نمود. بهره‌گیری از این نماد منجر به پرورش روحیه تلاش و پشتکار و همچنین پرهیز از خودضعیف‌پنداری در وجود کودکان و به خصوص نوجوانان می‌شود.

گاهی شاعران شعر کودک از نمادهای حیوانی خیالی، مانند لولو، دیو، غول و... نیز در اشعار خود استفاده می‌کنند. این نمادها چون برای کودک ناشناخته‌اند یا عامل بازدارندگی و ترس او می‌شوند یا به تخیل سیال ذهنی و خیال‌پردازی‌های دور کودکان‌اش میدان خواهند داد.

یه دهان گشاد داشت/ زیپ لبش دندونای زیاد داشت/ مثل یه غول گنده رو کولم بود/
 بچه‌ی اون کی بود؟ کیف پولم بود (کشاورز، ۱۳۹۵: ۱۷)

شاعر کیف بزرگ و حجیم و خسته‌کننده کودک را به غول، که موجودی خیالی و البته وحشتناک است، تشبیه می‌کند. در شعر، از زاویه دید کودک نحیف به بار سنگینی نگریسته می‌شود که می‌توانست موجب نشاط او شود اما مایه دلزدگی و عذابش شده‌است.

جدول ۱. فراوانی نمادهای حیوانی در شعر کودک و نوجوان فارسی

مجموع	پرندگان	پستانداران	حشرات	خزندگان	
۴۴	۲۳	۱۲	۶	۳	فراوانی نماد
٪ ۱۰۰	٪ ۵۲	٪ ۲۷/۵	٪ ۱۳/۵	٪ ۷	درصد

در تحلیل جدول ۱ باید گفت که کودکان و نوجوانان فارسی زبان اکثراً به سبب زندگی شهرنشینی بیشتر پرندگان را به صورت عینی مشاهده می‌کنند، پرندگانی که برفراز آسمان شهر دیده می‌شوند و توجه کودکان را به خود جلب می‌کنند اما دیگر موجودات را تنها در تلویزیون یا کتاب‌ها و به ندرت در باغ‌وحش‌ها (اگر برایشان مقدور باشد) باید ببینند. شاید به همین دلیل، بسامد نمادین پرندگان در آثار شعری شعر کودک و نوجوان فارسی بیش از دیگر موجودات زنده است.

ب) نمادهای گیاهی

یکی از پربسامدترین شبکه‌های نمادین در ادبیات فارسی نمادهای گیاهی و خانواده گسترده گیاهان است، نمادهایی چون سرو، بید مجنون، بنفشه و نرگس و واژه‌هایی از خانواده گیاهان یا مرتبط با آن، که به تناسب در لایه‌های پنهان خود مفاهیمی را اراده می‌کنند. واژه‌هایی از جنس «باغ»، «دشت»، «صحرا» و انواع گیاهان و میوه‌ها را می‌توان در این گروه جای داد (ارمغان و همکاران ۲۱). در اشعار فارسی این پژوهش ۳۵ مورد نماد گیاهی وجود دارد، مانند باغ، جنگل، دشت، صحرا، بهار، باران، شب‌نم، کاج، بید، کاکتوس، بلوط و...

زمستان آمد و شد زرد لیمو / تمام باغ شد گرم هیاهو / چه برف خوشگلی بارید در باغ /
به دست خود گرفته کاج پارو (صفریگی ۷).

در شعر فوق، باغ می‌تواند نماد جمع خانواده‌هایی باشد که در شب‌های طولانی و سرد زمستان، کنار هم به گفت‌وگو می‌نشینند و کانون گرم خانواده را گرم‌تر و صمیمی‌تر می‌کنند. باغ همچنین نماد جامعه‌ای است که سنگینی مشکلات و سردی

رابطه‌ها (برف) بر آن غالب است اما کاج مقاوم و همیشه‌سبز، که نماد انسان‌های سرافراز و استوار است، در این دلسردی، جارو به دست گرفته تا جامعه را از یأس و بی‌عاطفگی پاک کند. نوجوانان در برخورد با این نمادها درک بهتری از شرایط سرد عاطفی پیدا می‌کنند و تشویق می‌شوند تا از عزلت بیرون بیایند و نه چون لیمو زرد بلکه بسان سرو شاداب و مقاوم باشند.

رنگ ریحان/ رنگ سرو و باغ و بوستان.../ رنگ سبز پرچم زیبای ایران
(مهاجرانی ۵)

شاعر رنگ سبز پرچم ایران را هم‌رنگ سبزه و باغ و بوستان می‌داند و از آنجا که کودک و نوجوان طراوت و شادابی و سرزندگی باغ و بوستان را به صورت عینی و ملموس درک می‌کند، سبزی رنگ پرچم ملی را نیز نماد آرامش و شادابی و رویش می‌داند. شاعر بر آن است تا از مسیر نمادین ریحان و باغ و بوستان، کودکان و نوجوانان را با رسالت انقلاب اسلامی، که پیام‌آور صلح و نشاط است، آشنا سازد.

بر کوی و کوچه/ بر دشت‌هایت/ روییده لاله/ جانم فدایت!
(رحماندوست، ۱۳۶۸: ۱۸)

گل لاله نماد عاشقان، روی یار، زندگی، جنب‌وجوش و تقریباً در تمام ملت‌ها و زبان‌ها نماد زیبایی‌ست. در این بیت نیز نماد شهرداری است که در راه وطن و آزادی جان خود را ایثار کردند. دشت نیز نماد گستردگی و بی‌کرانی و در اینجا تداعی‌گر کشور بزرگ ایران است که هر نقطه‌اش مزین به خون شهدای آزادی‌ست. شاعر با آوردن نماهای دشت و لاله بر آن است تا بزرگی کشور و هزینه‌های عظیمی را که برای حفظ و اقتدار آن پرداخته شده است به کودکان و نوجوانان یادآور شود.

زنی که در جهاز او/ نسیم بود و رود بود/ زنی که چون بنفشه‌ای/ نگاه او کبود بود.
(مزینانی ۱۶)

بنفشه در ادبیات فارسی نماد گوشه‌گیری، سربه‌زیری و عرفان است و شاعر در این شعر آن را در وصف حضرت فاطمه (س) آورده که انسانی عارف، بریده از تعلقات

دنیا، عقیف و اسوه انسانیت است. نگاه کبود نیز بیانگر رنج کشیدگی و مظلومیت اوست که همیشه، از جور و درد تحریف سنت پیامبر، گریان و کبود بوده است.

باران: من نباشم بهاری نیست / درختی نیست / میوه و سبزه زاری نیست.

(رحماندوست، ۱۳۹۵: ۸)

در شعر فوق، بهار، درخت، سبزه و میوه نماد آرامش، حیات و رویش است که زندگی انسان بدون آنها با دشواری مواجه می شود و گاه غیرممکن می شود. باران برای بیان ارزش و جایگاه خود در زندگی از تأثیر و نقش خود در ایجاد عناصر نمادین حیاتی یاد می کند و کودک از طریق همین عناصر به ارزش و نقش باران در زندگی پی می برد.

نماد در شعر کودک و نوجوان کردی

شعر کودک کردی نیز سرشار از نمادهایی است که از دنیای اطراف کودکان کرد گرفته شده است. این نمادها مفاهیمی گسترده و انتزاعی را به کودکان آموزش می دهد و شناخت او را از جهان بیرون بیشتر می کند.

الف) نمادهای حیوانی

نمادهای حیوانی در شعر کودک کردی گستره وسیعی دارند و شاعران شعر کودک با استفاده از این نمادها کودکان را با مفاهیم ذهنی و انتزاعی غیرقابل لمس آشنا می سازند. در ده مجموعه شعر کردی تحلیل شده در این پژوهش، ۶۲ مورد نماد حیوانی، مانند مامر و مریشک (مرغ)، کهو (کبک)، په پووله (پروانه)، بولبول (بلبل)، هه‌نگ (زنبورعسل)، خه‌ره‌نگز (زنبور قرمز)، سمووره (سنباب)، که‌رویشک (خرگوش)، مرای (مرغابی)، مورپژ و مووری (مورچه)، مال‌خالوان (کفش دوزک)، قلا (کلاغ)، گورگ (گرگ)، خه‌ر (الغ)، مار، مشک و میوشلی میوشان (موش)، بز و کاریله (بز)، چوله‌کهر (گنجشک) یافت شد. از این تعداد، بیشترین بسامد مربوط به پستانداران (۳۱ مورد) و پرنندگان (۱۶ مورد) و کم‌ترین بسامد از آن حشرات (۱۲ مورد) و خزندگان (۳ مورد) است.

لازم به ذکر است که تعدد اسامی حیوانات در شعر کودک کردی، به دلیل تکثر گویش‌ها، نسبت به شعر فارسی بیشتر است، مثلاً: برای «گره» در اشعار کردی

معادل‌های واژگانی چون «پشی، پشیلک و کتک» و برای «مرغ» واژه‌هایی چون «مامر، مرخ و مریشک» به کار رفته‌است.

مثلاً در شعر «که‌ر نه‌زان» (الاغ نادان)، اثر زهرا ستاوند، چنین داستانی روایت می‌شود:

روزی از روزگاران الاغی احمق و بدریخت در روستایی بود که شب و روز برای صاحبش کار می‌کرد. الاغ از کار و حمالی خسته‌شده بود و با خود گفت باید از اینجا به سوی دشت و کوه بروم تا در آزادی و راحتی و خوش‌گذرانی و فارغ از آدم‌های ستمکار زندگی کنم. دور از چشم صاحبش فرار کرد و رو به صحرا گذاشت. در میان راه، صدای کمک خواستن موشی را شنید که مار بزرگ وحشتناکی دنبالش می‌کرد. الاغ بی‌خاصیت فقط نشست و نگاه کرد تا مار موش ضعیف را شکار کرد و خورد. الاغ در جواب سؤال ذهنی خود که چرا به مظلومی که از او یاری خواست کمک نکرد با خود گفت: سرانجام همه مرگ است. پس در ادامه به سبزه‌زاری رسید. در آن سبزه‌زار چرید و غلت زد و لذت برد. ناگهان صدای چشمه‌ای او را متوجه خود ساخت، به سوی چشمه رفت و سیر از آن نوشید. در اثنای نوشیدن آب، عکس خود را در چشمه دید، شیفته زیبایی و جمال نداشته خود شد. پس به حدیث نفس پرداخت و شروع کرد به تمجید از کمالات و جمالات خویش. الاغ قصه پس از مدتی به خواب شیرین می‌رود. هنگامی که بیدار می‌شود، خود را در مقابل دو گرگ خاکستری گرسنه می‌بیند. با خود می‌گوید: «ترس، برخیز و فکر چاره باش.» به سمت گرگ‌ها می‌رود و به آنها می‌گوید: «من شما را دوست خود می‌دانم چرا که پدربزرگم گفته‌است همیشه با دیگر حیوانات دوست باش. پس بیایید با هم دوست باشیم و قایم موشک بازی کنیم. شما چشمه‌ایتان را ببندید و تا صد بشمارید.» گرگ‌ها چون او را نفهم می‌پندارند، حرفش را می‌پذیرند و چشم‌ها را می‌بندند و شروع می‌کنند به شمارش. الاغ که فرصت را غنیمت دیده بود، پا به فرار می‌گذارد و به طویله نزد بزها برمی‌گردد، ماجرایش را برای آنها تعریف می‌کند و می‌گوید: «دوستان! بدانید که آزادی همراه با نادانی خود اسارت است و آزاد کسی است که فکرش آزاد باشد نه جسمش» (ستاوند ۹-۱).

پیداست تمام شخصیت‌های حیوانی کارکرد نمادین دارند: مار (نماد ظلم و ستمگری)، موش (ضعف و مظلومیت)، بزها (باران)، الاغ (جهل) و گرگ (درندگی). نکته قابل توجه در داستان این است که الاغ نادان قصه چون پای مرگ و زندگی به میان می‌آید برای نخستین بار به عقل خود رجوع می‌کند و رهایی می‌یابد و گرگ‌ها، برعکس، چون به تن‌پروری روی آوردند، عقلشان زایل می‌شود و فریب می‌خورند.

این داستان نمادین بیانگر این آموزه است که جامعه انسانی پر است از ظالم و مظلوم (مار و موش، الاغ و گرگ) و هر انسانی که بدون تعقل به راهی ناشناخته روی آورد از چاله به چاه می‌افتد اما با این وجود، هرگاه انسان در مهلکه‌ای قرار گیرد، باز نبایستی تسلیم شود بلکه باید به عقل خود (هرچند ناچیز و ضعیف) رجوع کند.

داستان دیگری که به شعر کردی سروده شده «روباه توبه‌کار» است:

روزی روباهی مکار که به دلیل پیری قادر به شکار نبود سجاده‌ای بر دوش انداخت و شروع به دعا و نیایش کرد و به دیگر جانوران گفت: «من از هر گونه بدکاری و مردم‌آزاری توبه کرده‌ام و می‌خواهم به حج بروم چرا که عمری به اشکال مختلف زندگی کرده‌ام و دیگران را آزرده‌ام اما دیگر وقت آن رسیده‌است که به سوی خدا برگردم و دست انابت به درگاه او بردارم. حال شما ای جانوران! بیایید همه با هم به حج برویم شاید توبه‌هایمان پذیرفته شود». درمیان راه، از غفلت جمع سوءاستفاده می‌کند و تک‌تک کبک و مرغ و خرگوش را در گوشه‌ای شکار می‌کند و می‌خورد و غیبت هر کدام را به شکلی توجیه می‌کند. مثلاً در مورد کبک می‌گوید: «به میان گروهی از پرندگان رفتم که همه بی‌مرشد و گمراه بودند. پس کبک را به عنوان کدخدا بر سر آن گروه قرار دادم». تا این‌که از آن جمع فقط خروس باقی می‌ماند. روباه به خروس می‌گوید: «چرا سروصدا می‌کنی؟ در این بیابان دزد و دشمن زیاد است، بیا دست من پیر و ناتوان را بگیر و کمک کن». خروس متوجه می‌شود و سریع روی درخت می‌پرد و می‌گوید: «پدر و پدربزرگم به من وصیت کرده‌اند که هوشیار باش فریب روباهان را نخوری! چرا که ذاتشان با مکر سرشته‌است و هرگز از مکر دست برنمی‌دارند» (محمدی ۱-۱۱).

در داستان فوق نیز تمام حیوانات نمادین هستند و شخصیت هرکدام از آنها برای نوجوانان پیام و مفهومی به همراه دارد. روباه نماد مکر و فریب، خروس نماد هوش و نصیحت‌پذیری، کبک نماد زیبایی و مظلومیت و شخصیت دیگر حیوانات هرکدام بیانگر مفهومی انتزاعی است. کل داستان دربرگیرنده این مفهوم است که انسان باید هوشیار باشد و به افراد بدذات امتحان‌پس داده اعتماد نکند.

خوهم ب‌وچگ و بارم قه‌یو مالم هاله ژئرزهی
ساتی بیکار نیه‌نیشم من مووری زامهت کیشم

xwæm bÿtʃeɡo barem qæÿw
satæ bekar nyæniʃem

maʃem halæ zeire zæÿw
men muri zamææt kiʃem

ترجمه: خودم کوچکم اما بار روی دوشم سنگین است و خانه‌ام زیر زمین است. / لحظه‌ای بی‌کار نمی‌نشینم. من مورچه زحمت‌کش هستم.

مورچه نماد کوچکی، ضعف و در عین حال تلاش‌گری است و از آنجا که کودک خود را کوچک و ضعیف می‌پندارد، این شعر روحیه و اراده او را تقویت می‌کند، بدان معنی که به او نشان می‌دهد: ای کودک! تو کوچک‌تر و ضعیف‌تر از مورچه که نیستی، تو نیز می‌توانی کارهای بزرگی انجام دهی. به شرط آن‌که کوشش کنی و تن به راحت‌طلبی ندهی.

وهختی پشی هات بکه خوهرم

ج‌وجگ ب‌وچلگه‌ی، جیکه جیک که‌رم

ئه‌وه دیریدن نه‌خشه راد کیشی

وهختی وه بی‌ده‌نگ له‌و دوره نی‌شی

(موزونی ۱۳)

jÿjeg bÿtʃeɡæÿ jikæ jik kærem
væxte væ be dæŋ læw dÿræ niʃe

væxte peʃi hat bekæ xeværem
?væ dereden næxʃæ řad kiʃe

ترجمه: جوجه کوچکی که جیک‌جیک می‌کني / وقتی گربه می‌آید خیرم کن / وقتی که گربه آن دورها ساکت نشسته‌است / دارد برای تو نقشه می‌کشد.

در این شعر، جوجه نماد زیبایی و ظرافت، کوچکی، کم‌تجربگی و ضعف است و تناسب و شباهتی بسیار زیاد با شرایط سنی و جسمی کودک دارد. در حقیقت، شاعر، همانند نمونه پیشین، با آوردن این نماد، خود کودک را مخاطب قرار داده‌است و او را به هوشیاری و ذکاوت تشویق می‌کند.

چار شی ئوی دابه سه‌ریا

ماسی خانم ناو ده‌ریا

شیرین شیرین، ورده ورد

که‌فته ر‌ئ‌گه خرته‌خرت

(محمدیان ۱)

masi xanem naw dærya tʃar ʃeÿe da bæ særya
kæftæ řegæ xertæ xrt řirin řirin vertæ vert

ترجمه: ماهی خانم در میان دریا روسری‌اش را بر سر زد و آرام‌آرام به راه افتاد.

ماهی نماد حیات، سرزندگی، زیبایی و ظرافت است. شاعر در پایان شعر نیز، علاوه بر صفت‌های مذکور، آن را نماد بخشندگی و امید قرار داده‌است تا موجب تقویت این خصلت و روحیهٔ پسندیده در کودکان شود.

من م‌قش‌م و من میوش‌م پشی‌ت‌گ ب‌قه وه ت‌قش‌م
چه‌یدن چه‌قه‌ی دگانم چوه توایگ له لیم؟ نیه‌زانم.

(کرمی ۱۴)

men mýfɛm-o mɛn mýfɛm pɛʃiɛg bɨ vɛ tɨʃfɛm
tʃɛyɔɖɛn tʃɛqɔy dɛganɛm tʃwɛ twayg lɛ lim nyazanɛm

ترجمه: من موشم، گرفتار گربه شده‌ام / از ترس مدام می‌لرزم، او چه از جانم می‌خواهد؟ نمی‌دانم.

موش نماد زیرکی، تلاشگری، موزی‌گری، ترسوئی، ضعف و مظلومیت است که شاعر در این شعر آن را به صورت نمادین و در معنای ضعف و مظلومیت به کار گرفته‌است. رابطه و دشمنی موش و گربه سنتی طبیعی و نمادین بودن آن سنتی ادبی در ادبیات، به‌خصوص ادبیات کودکانه، است.

جدول ۲. فراوانی نمادهای حیوانی در شعر کودک و نوجوان کردی

مجموع	پستانداران	پرنندگان	حشرات	خزندگان	
۶۲	۳۱	۱۶	۱۲	۳	فراوانی نماد
٪ ۱۰۰	٪ ۵۰	٪ ۲۶	٪ ۱۹ / ۵	٪ ۴ / ۵	درصد

از تحلیل جدول ۲ برمی‌آید که کودکان و نوجوانان کردزبان چون اغلب اهل دشت و دمن هستند و ارتباط نسبتاً نزدیک‌تری با طبیعت و حیوانات دارند، نمادهای حیوانی را راحت‌تر درک می‌کنند. از این رو، بسامد حیوانات نمادین نیز در شعر کودک بیشتر می‌شود.

ب) نمادهای گیاهی

کودک طبیعت نشین کُرد با اکثر گیاهان و نام آنها آشناست. بنابراین، وجود گیاهان در قالب نمادهای آموزشی می‌تواند در تفهیم مفاهیم انتزاعی به او نقش بسزایی ایفا کند. در آثار کردی مطالعه شده، ۳۶ مورد واژه نمادین گیاهی دیده شد، مانند باخ (باغ)، دارسان (جنگل)، له ق، چل (شاخه)، میرگه، چیمه ن (چمن)، گولاله (آلاله)، سروشت (طبیعت)، به ریو (بلوط)، ونه وشه (بنفشه) و... در بخش گیاهی نیز، همانند واژگان جانوری، معادل‌های واژگانی متعدد است، مثلاً برای «شاخه» معادل‌هایی نظیر «له ق»، «چل» و «په ل» و برای «چمن» واژه‌هایی چون «چیمه ن» و «میرگه» استعمال شده است.

در شعر «کبک کوهستان و مرغ باغ» شاعر، در داستانی مناظره‌ای، گفتگوی کبک و مرغ را چنین روایت می‌کند:

در گذشته‌های دور، کوهی سربه فلک کشیده بود که پرندگان در آن سرفراز و آزاد می‌چرخیدند. باغی در دامنه‌اش وجود داشت که کبکان گهگاه برای استراحت به آنجا می‌آمدند. روزی کبکی از فراز آن کوه پرواز کرد تا به باغ رسید. در آنجا مرغی حنایی دید؛ به سوی او رفت تا سلامی کند اما مرغ ترسید و گفت: «چرا به اینجا آمده‌ای؟ مگر یادت رفته جای تو در کوهستان است؟ اگر اینجا بمانی زندانی‌ات می‌کنند.» کبک گفت: «نترس، فقط به من بگو که تو چگونه در این زندان به سر می‌بری؟ حال و روزت چون است؟» گفت: «زندگی‌مان خوش و غذا و لانه‌مان روبه‌راه است. خدا را شکر، زندگی شاهانه‌ای داریم، تا جایی که خیلی‌ها آرزوی زندگی ما را دارند.» کبک با عصبانیت گفت: «بیچاره، تا کی می‌خواهید به این زندگی وابسته تن بدهید؟ تا کی می‌خواهید خود را به نادانی و بی‌تفاوتی بزنید؟ وابستگی صدایتان را خفه کرده است. چرا حقیقت زندگی‌تان را به نانی فروخته‌اید؟ چرا مثل ما آزادانه پرواز نمی‌کنید؟» مرغ گفت: «بس کن، نمک بر زخمم می‌اش! خودم خوب می‌دانم که چقدر بیچاره‌ام. تمام دسترنجم از آن صاحب خانه است؛ تخم‌هایم، که جگرگوشه‌هایم هستند، جلو چشمم، ناجوانمردانه خوراک آدم‌ها می‌شوند.» کبک گفت: «شما که این همه به بدبختی خود اشراف دارید چرا فکر چاره‌ای نمی‌کنید؟ شما که بال پرواز دارید، چرا پرواز نمی‌کنید؟ تا کی می‌خواهید به این زندگی پست ادامه دهید؟ بیا و مثل من پرواز کن، برف کوهستان بخور و لذت ببر. بیا آزادانه زندگی کن تا فرزندانت قربانی و خوراک دیگران نشوند.» مرغ گفت: «این آرزوی دیرینه من است اما باید کمی فکر کنم.» کبک آهی کشید و پرواز کرد و گفت: «با آرزو هیچ کاری درست نمی‌شود.» (ابراهیمی ۱-۱۰).

کوه و کوهستان نماد آزادی و رهایی ست و باغ دنیای پر از وابستگی، ظلم و ظلم‌پذیری. این داستان مفهوم وابستگی و آزادی را، که دو امر ذهنی و دیرپاب برای کودکان و نوجوانان است، در قالبی نمادین بیان می‌کند و آموزش می‌دهد.

هەر ئەم شیرە بۆن خۆشه وه کوو بۆنی وه‌نه‌وشه

(گشبین ۱۲)

hær ?æm færae bunæ xofæ væ ku bunæ vænæwfæ

ترجمه: زنبور: شیرۀ عسل من خوشبوست، مانند بوی خوش گل بنفشه.

در بیت مذکور، شاعر شیرۀ زنبور عسل را به بوی بنفشه تشبیه می‌کند زیرا کودک گل بنفشه و عطر و بوی آن را به خوبی می‌شناسد. ضمناً شاعر با این تشبیه به صورت ضمنی یادآور می‌شود که این عسل شیرۀ همان گل بنفشه است، بنفشه‌ای که نماد پاکی و خوشبویی است.

ئێرا کوو چید چۆ کور خان؟ ئا باخه‌گه‌ی سه‌راو قه‌مه‌ر

(خورانی ۱)

?ra ku tfid tfy koře xan ra baxæy seraw qæmæe

ترجمه: ای موش کوچولو! کجا می‌روی، که چون پسر خان راه افتاده‌ای؟ - به سوی باغ سراب قنبر می‌روم.

در این بیت، شاعر از یک نماد طبیعی و تفریحی بومی (باغ سراب قنبر کرمانشاه) یاد می‌کند که نماد سرسبزی، گشت‌وگذار و زیبایی است.

چۆ گولباخی ره‌نگینم ماسی سفره‌هفت سینم

(مرادی نصاری ۱۰)

tfy golbaxi ræjinem masi sfvræy hæft sinem

ترجمه: مانند گل سرخ، زیبا و شاداب هستم و مثل ماهی سفرۀ هفت‌سین، سرزنده و پویام.

گولباخی (گل سرخ) نماد زیبایی، طراوت، خوشبویی و حیات است و در این شعر، کودک تمام این ویژگی‌ها را در وجود خویش می‌بیند. پس خود را به آن تشبیه می‌کند و در مصراع دوم نیز برای تقویت تصویر، مجدداً خود را به ماهی قرمز سفره هفت‌سین که باز بیانگر سرزندگی، حیات و زیبایی است، مانند می‌کند.

گونای سووری وه کوو سئو پرچی خسته ملی کئو

(منال ۳، تیمی: ۲۰)

gunay suvre vā ku sew pertf xestā mele zæyw

ترجمه: (خورشید) رخساره‌اش مانند سیب سرخ است و زلف زیبا و طلایی‌اش را بر سر کوهسار پخش کرده‌است.

شاعر خورشید هنگام طلوع را به سیب سرخی تشبیه می‌کند که تشعشع و پرتو نور خود را بر سر کوهسار پخش کرده‌است و از آنجا که وجه شبه در شبه‌به باید آشکارتر و اجل از مشبه باشد شاعر سیب را نماد سرخی، درخشش و زیبایی قرار داده‌است تا از این طریق، زیبایی صبحگاهی خورشید را به تصویر کشد.

همان گونه که ذکر شد، تمام نمادهایی که در شبکه نمادهای گیاهی قرار دارند و به کار رفته‌اند، بیانگر مفاهیمی ذهنی و ادعایی‌اند که شاعران بر آموزش و القای آن تأکید کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، نمادهای جانوری و گیاهی در آثار شعر کودک و نوجوان فارسی و گردی مطالعه و مقایسه شد و نتایج زیر به دست آمد:
در آثار مطالعه‌شده، از نمادهای حیوانی و گیاهی در تفهیم مفاهیم انتزاعی و آموزش آموزه‌ها به وفور استفاده شده‌است. با این تفاوت که بسامد این نمادها در شعر کردی بیشتر از زبان فارسی است.

جدول ۳. فراوانی نمادها در شعر کودک و نوجوان فارسی و کردی

نماد گیاهی	نماد حیوانی	مجموع	
۳۵	۴۴	۷۹	نمادها در شعر کودک فارسی
٪ ۴۴/۵	٪ ۵۵/۵	٪ ۱۰۰	درصد
۳۶	۶۲	۹۸	نمادها در شعر کودک کردی
٪ ۳۶/۸	٪ ۶۳/۲	٪ ۱۰۰	درصد

طبق نتایج جدول ۳، بسامد نمادهای حیوانی و گیاهی در شعر کودک کردی اندکی بیش از شعر کودک و نوجوان فارسی است که البته طبیعی نیز می‌نماید زیرا حیوانات و گیاهانی که در این نوع ادبی ذکر می‌شوند برای کودکان کُردزبان بارآمده در دامان طبیعت آشنا تر و ملموس ترند تا کودکان و نوجوانان فارس‌زبان آپارتمان‌نشین. همچنین وسعت گستره نمادهای حیوانی پستاندار در شعر کودک کردی بیش از دیگر جلوه‌های نمادین است و در شعر فارسی، نماد پرندگان از فراوانی بیشتری برخوردار است چرا که کودکان کُردزبان در طول زندگی خود با اکثر پستانداران از نزدیک آشنا می‌شوند و با آنها همبازی‌اند اما کودک شهرنشین فارس‌زبان بیشتر این حیوانات را در زندگی واقعی خود ندیده و نمی‌شناسد و تنها شناخت او از آنها از طریق تلویزیون و کتاب و... است.

منابع

- ابراهیمی، مظهر. که‌وی سه‌رشاخ، مریشکی ناو باخ. سنندج: علمی کالج، ۱۳۹۳.
 احترامی، منوچهر. خرس و کوزه عسل. تهران: کتاب‌های لاک‌پشت، ۱۳۶۵.
 ارمغان، علی و همکاران. «شبکه‌های نمادین در شعر نوجوان بیوک ملکی». پژوهش‌های ادبی. ۵۴/۱۳ (زمستان ۱۳۹۵): ۹-۳۰.

- پورنامداریان، تقی. *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- خورانی، میثم. *میوشلی میوشان*. ایلام: ناشر مؤلف، ۱۳۹۶.
- رحماندوست، مصطفی. *صد دانه یاقوت*. تهران: محراب قلم، ۱۳۶۸.
- _____. *قصه ابر و باران*. تهران: سوره مهر، ۱۳۹۵.
- ستاوند، زهرا. *که‌ر نه‌زان*. ارومیه: ناشر مولف، ۱۳۹۴.
- سلاجقه، پروین. *از این باغ شرقی*. چ ۲. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۷.
- شاملو، احمد. *خروس زری، پیرهن پری*. چ ۲. تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار، ۱۳۶۴.
- صرفی، محمدرضا و فاطمه هدایتی. «نماد و نقش مایه‌های نمادین در داستان‌های کودک و نوجوان دفاع مقدس». *ادبیات پایداری*. ۸/۴ (پاییز و زمستان ۱۳۹۲): ۷۳-۸۹.
- صفربیگی، جلیل. *دبستان ترانه*. ایلام: زانا، ۱۳۹۷.
- فولادی، علیرضا. *زبان عرفان*. چ ۳. تهران: سخن، ۱۳۸۹.
- کریمی، حمزه. *منال ۲: مجموعه اشعار شاعران برگزیده جشنواره شعر کودک کردی منال*. ایلام: باشور، ۱۳۹۲.
- کشاوری، ناصر. *مثل یه بلبل کوچولو*. تهران: پیدایش، ۱۳۹۳.
- _____. *کی بود؟ کی بود؟ ملاد بود*. چ ۳. مشهد: به‌نشر، ۱۳۹۵.
- گشبین، مرسوم. *هنگ و هه‌نگوین*. سنندج: تافگه، ۱۳۹۳.
- محرمی، رامین و دیگران. «بررسی تنوع نماد در اشعار کودکان جعفر ابراهیمی». *بلاغت کاربردی و نقد ادبی*. ۱/۲ (بهار و تابستان ۱۳۹۵): ۱۱-۲۴.
- محمدی، مجید. *ریوی تهبه کار*. سنندج: ریپین، ۱۳۹۳.
- محمدیان، علیرضا. *ماسی خانم*. سنندج: ناشر مؤلف، ۱۳۷۹.
- مرادی نصاری، محمد. *منال ۱: مجموعه اشعار شاعران برگزیده جشنواره شعر کودک کردی منال*. ایلام: باشور، ۱۳۹۲.
- مزیانی، محمدکاظم. *صندلی‌ها خسته‌اند*. چ ۳. تهران: وزارت آموزش و پرورش، موسسه فرهنگ منادی تربیت، ۱۳۸۸.
- موزونی، رضا. *میمگه جاروبرقی*. کرمانشاه: ناشر مؤلف، ۱۳۸۳.

مهاجرانی، محمد. پرچم زیبای ایران. قم: بهار دل‌ها، ۱۳۹۶.
 نیما یوشیج. درباره شعر و شاعری: از مجموعه آثار نیما یوشیج. گردآوری، نسخه‌برداری و
 تدوین: سیروس طاهباز. تهران: دفترهای زمانه، ۱۳۶۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی